

بازاندیشی درباره امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد عرفانی

حوریه شجاعی باغینی¹

لیلا پوراکبر²

چکیده:

دیدگاه عارفانه به دو اصل امر به معروف و نهی از منکر، دیدگاهی است که در مقابل حجم زیادی از تحقیقات انجام شده از زوایای مختلف در مورد این موضوع، کمتر به آن توجه شده است. عرفا با تکیه بر روش شهودی و با معیار قراردادن معارف شریعت، حقایق راهگشا در اختیار دیگران قرار میدهند که در این مقاله نگاه شبستری و چگونگی رهنمودش به شیوه عملی در باب اصل مذکور تبیین می‌گردد. روشی که یکی از نتایج آن سرایت این فریضه در بین جمع بسیاری از افراد جامعه اسلامی است. با این دید امر به معروف و نهی از منکر به عنوان واجب فراموش شده پنداشته نمی‌شود. درضمن با بیان شواهدی از کلام ائمه اطهار به‌منظور تأیید صحت روش ارائه شده از سوی شبستری این مسئله تثبیت میشود که راهکار وی تعارضی با معارف دینی ندارد.

کلیدواژه: امر به معروف، نهی از منکر، شیوه عملی، سعادت نامه،

شبستری

¹ استادیار پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، shbagini@yahoo.com و shojaee@ricac.ac.ir (نویسنده مسئول).

² دانش‌آموخته دکتری فلسفه، l.purakbar@rocketmail.com

بیان مسئله

بخشی از تربیت دینی - اسلامی یادگیری آن بخش از فروع دین است که غالباً با آنها سروکار داریم؛ مانند نماز و روزه. فروع دین یا همان احکام عملی اسلام، اعمالی هستند که یک مسلمان وظیفه دارد به آنها عمل کند.

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از ارکان اسلامی است که در بین فقهای شیعه و سنی، دو فرع از فروع دین مبین اسلام به‌شمار می‌آید. این اصل به جهت جایگاه ویژه خود مورد توجه بیشتر علمای اسلامی قرار گرفته است، تا جایی که حوزه وسیعی از مطالعات را در ابعاد متفاوتی همچون: اعتقادی، کلامی، اجتماعی، فقهی، حقوقی، اخلاقی، تربیتی و عرفانی به خود اختصاص داده است. محققین در هر بعد به زوایا و مباحث گوناگونی پرداخته‌اند؛ از جمله: تعریف معروف و منکر و تعیین حدود آن، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و سنت، دلایل و شرایط وجوب (وجوب عقلی یا نقلی؛ وجوب عینی یا کفایی)، شیوه‌ها، آداب، آثار، احکام، مراتب، انواع، بررسی موانع و محدودیت‌ها، ارائه راهکارهای عملی و روش‌های کاربردی، معرفی الگوهای رفتار ائمه و صفات آمران و ناهیان.

با وجود حجم قابل توجهی از تحقیقات در این زمینه، به مطالب و عناوینی برخورد می‌کنیم مبنی بر این که درباره این موضوع در سطح جامعه شناخت و توجه کافی و شایسته وجود ندارد و این اصل مهم مورد غفلت و کم‌مهری واقع شده است. شاهد براین مسأله، انتشار کتاب‌هایی است که از عنوان آنها فراموشی و از یاد رفتن این دو واجب به ذهن متبادر می‌شود.¹ در راستای این عناوین، کتاب‌های دیگری یافت می‌شود که بحث از احیای امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می‌کنند.² این نکته نشان‌دهنده این مطلب است که ما در مسئله امر به معروف و نهی از منکر با مسائلی روبرو هستیم که اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را لوث کرده، حتی در مواردی نتیجه معکوس حاصل شده است، شاید به این دلیل که امور مهم برای تشویق مردم به اعمال نیک و بازداشتن از اعمال ناپسند رها شده و بر امور سطحی تأکید رفته است.

¹ کتاب‌هایی همچون: دو از یاد رفته، عباسعلی اسلامی؛ اصل فراموش شده: مجموعه مقالات علمی - پژوهشی و فرهنگی امر به معروف و نهی از منکر، جهانبخش غدیری؛ دو از یادرفته (امر به معروف و نهی از منکر)، اکرم‌السادات حسینی نقوی؛ دو فریضه فراموش شده امر به معروف و نهی از منکر: آیاتی از قرآن و چهل حدیث، محمدرضا عطائی؛ مهم‌ترین واجب فراموش شده امر به معروف و نهی از منکر، ابراهیم امینی. ² نظیر: امر به معروف و نهی از منکر را باید زنده کرد، ولی فاطمی؛ چهل حدیث «امر به معروف و نهی از منکر را باید زنده کرد»، حجت الاسلام والمسلمین عبد‌الکریم محرابی؛ نصیحت و ناصحین: زمینه ساز احیاء دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تنظیم دفتر جامعه اسلامی ناصحین قم؛ امام خمینی و احیاء امر به معروف و نهی از منکر، جواد ورعی.

در کنار تمام تلاش‌های صورت‌گرفته در خصوص این اصل مهم در اسلام، بررسی آن با رویکرد عرفانی کمتر مورد توجه گرفته است. این کم‌توجهی می‌تواند به این خاطر باشد که عده‌ای عرفا را تارک امر به معروف و نهی از منکر لقب داده‌اند، حال آنکه مدعای خود آنها غیر از این است. صرف نظر از مباحث نظری، صوفیان این اصل را بسیار دقیق‌تر و ظریف‌تر در زندگی عملی خویش پیاده کرده‌اند، اما از آنجا که بیشتر عرفا با دیدی اخلاقی به این اصل در زندگی خود می‌نگریستند، امر به معروف برای آنها برجستگی و نمود فقهی نیافت (موسوی، 1390).

در این نوشتار قصد بر آن است تا ببینیم آیا میتوان با رویکردی جدید به این دو رکن عملی، آنها را از ورطه فراموشی، غفلت و بیمهری بیرون آورد و آنها را با دیدگاهی مثبت فریضه و واجبی هم‌هگیر در نظر گرفت؟

شیخ محمود شبستری، عارف و شاعر قرن هشتم، ابیاتی با عنوان «فی امر بالمعروف» در مثنوی سعادت‌نامه خود دارد. این ابیات نشان‌دهنده توجه خاص وی به این آموزه دینی است. بررسی این ابیات می‌تواند تا حدی ما را به نوع نگاه عارفانه و چگونگی اجرای این اصل در میان عرفا آشنا کند.

این مقاله با هدف بررسی چگونگی اجرای این اصل در میان عرفا با تکیه بر سعادت‌نامه شیخ محمود شبستری درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است: شیخ محمود شبستری در سعادت‌نامه خود چه روشی را برای امر به معروف پیشنهاد می‌دهد؟ آیا روش پیشنهادی، مستند به آیات و روایات است یا روشی خاص صوفیه و براساس تجربه شهودی است؟ آیا نوع نگاه عرفانی می‌تواند جوابگوی مسائل ما در این زمینه باشد؟ آیا این روش ما را به فلسفه امر به معروف و نهی از منکر نزدیک میکند؟

در این گفتار ضمن تحلیل نظر و شیوة شبستری برای عمل به این دو فرع زیبا و دلنشین، میتوان ادعا کرد این اصل مهم اسلامی با نگرش عرفانی، چنانچه به درستی عملی گردد قابلیت فراهم آوردن زمینه تحقق اخلاقیات را دارد. همچنین علاوه بر این‌که به عنوان واجب فراموش‌شده و اسقاط‌شده پنداشته نمی‌شود، در ضمن آفات احتمالی را نیز ندارد. آفاتی که در صورت انجام نامناسب آن موجب تنفر آدمیان از معروف و گرایش آنان به منکر می‌شود.

شایان ذکر این که ایده این مقاله بر اساس نکته‌ای از کتاب مفتاح فتوحات (گلشن راز شبستری) اثر دکتر نصرالله حکمت، برداشت شده است. (حکمت، 1393، 39-40)

امر به معروف در سعادت نامه

شیخ محمود شبستری در مثنوی سعادت نامه در ذیل فصل «شناخت نفس ناطقه» 27 بیت ذیل عنوان «فی أمر بالمعروف» سروده است و پس از آن دو حکایت منظوم مرتبط با آن بیان کرده است. در اینجا شرایط و ضوابطی که او در امر به معروف مد نظر داشته بررسی می شود.

تقدم و ارجحیت امر به معروف بر نهی از منکر

مثنوی با این بیت آغاز میگردد:

امر معروف خصلتی	لیک از مشفق نظیف
است شریف	لطیف
صفت آنکه سالک راه	«فبما رحمة من الله»
است	است

نخستین نکته ای که از این ابیات متبادر می گردد این است که شبستری با نگاه ویژه خود تأکیدش بر امر معروف بیشتر است تا نهی از منکر زیرا با توجه به دیدگاه وی چنانچه این امر به درستی صورت گیرد مؤثرتر واقع می شود و شلید نیاز کمتری به نهی از منکر احساس شود.

برداشتی عام از مفهوم معروف و منکر

از دیدگاه شبستری محدود کردن معنای معروف تنها به اعمال ظاهری وجهی ندارد. وی امر معروف را به مثابه خصلت در نظر دارد؛ خصلتی که نمود آن هم در اعمال ظاهری و هم در اعمال باطنی همچون اقوال و عقاید میتولند مشهود باشد.

در طریق سلوک بودن

اگرچه شبستری در سرآغاز سروده خود، امر به معروف را خصلت و خویی نیک و شریف معرفی میکند، اما آن را تنها برای افرادی که دارای ویژگی هایی همچون دلسوزی، پاکیزگی و نرم خویی هستند پسندیده می داند. بنابراین اقدام بر امر به معروف بر هر کسی جایز نیست؛ چراکه لازمه آن دارا بودن شرایطی است.

او معتقد است این صفات مختص شخصی است که در طریق سلوک قرار دارد. مراد از سلوک حرکت فکری است که مقصد آن از پیش معلوم است و سالک از آغاز راه میداند که سیر او باید به کجا منتهی گردد (حکمت، 1389).

ص 211). یعنی فرد سالک در مقام امرکننده به معروف، به مقصدی که رسیدن به کمال نفسانی و سعادت اخروی است، توجه ویژه دارد و اعمالش را در مسیر تقرب به خداوند قرار میدهد. چنین فردی خصوصیتی دارد که شبستری در ابیات بعدی به برخی از آنها اشاره میکند:

1- **نرمخویی:** سالک دلسوز و با لطافت است، خشونت و سختگیری در او راهی ندارد و آنچه را به آن امر میکند تنها به جهت خیرخواهی و شفقت بر همنوعش است؛ زیرا به سرنوست مسلمانان علاقه‌مند است. در تأیید این نکته، در چند بیت پاینتر میگوید:

امر معروف آنچه خاصه نیک خواهی و ناصحی و
ماست دعاست

در ادامه برای تثبیت این شرط برای شخص سالک، بخشی از آیه 159 سوره آل عمران «فبما رحمة من الله» را به عنوان شاهد بیان میدارد، زیرا در این آیه، نرمش و مهربانی در برابر مردم از سوی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه که دارندۀ بالاترین مقام سلوکی است را به برکت رحمت الهی ثابت میداند و میگوید: «چنانچه خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند».

2- **پرهیز از عیجویی:** برای رسیدن به ویژگی دلسوزی و نرمخویی که رحمتی از سوی پروردگار است لازم است مراحل طی شود. مراحل که از صفات روحی و باطنی خود فرد آغاز میگردد. یعنی نخست سعی میکند خود خوب باشد آنگاه برای مردم به خیرخواهی بپردازد، بنابراین میگوید:

جستجوی بدی ز بیخردی بدگمانی بدان که اصل
است بدی است

فرد آمر هرگز در پی یافتن نقص دیگران نیست. همانگونه که ابن‌سینا متذکر این امر شده است: «عارف به دنبال جستجو و کسب خبر نیست و هنگام مشاهده منکر و امر ناخوشایند خشم بر وی مستولی نمیشود بلکه همیشه رحمت و دلسوزی به او دست میدهد» (ابن‌سینا، 1375، ج 2، ص. 392).

شبستری نیز عیجویی، عیبیابی، خرده‌گیری و تجسس در احوال مردم را شایسته عارف نمی‌داند و آن را نتیجه نادانی و بیخردی فرد ذکر میکند. پس همانگونه که خداوند متعال «یا من اظهر الجمیل وستر للقیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة یا من لم یهتک الستر» است، سالک که هدفش تخلق به اخلاق الهی است باید از این الگو پیروی کند. در این قطعه از دعای جوشن کبیر بهوضوح رحمت الهی آشکار است؛ پروردگار عالم نه تنها اعمال نیک بندگان را آشکار میکند بلکه اعمال زشت آنها را نیز میپوشاند و رحمت

ستر قبیح را با نمایش زیبایی همراه مینماید. پس آمر به معروف، علاوه بر این که نباید در جستجوی کثی و ناراستی افراد باشد، حتی اگر عیب و قبیحی در آنها دید باید آن را نیز پوششند.¹

3- بازگو نکردن و اشاعه ندادن منکرات: عیجوبی به منظور آشکار کردن زشتی و عدم پوششیدن آن، از یکسو برای فردی که آن را انجام داده است، نتایجی همچون تحقیر و رسوایی به همراه دارد و از سوی دیگر برای افرادی که به هر طریق از منکر مطلع میشوند، اشاعه منکر است. بازگوکردن منکر فردی (و نه اجتماعی به معنی منکری که حق از عموم را ضایع میکند) هرچه در سطح وسیعتری از جامعه صورت گیرد به مراتب اثرات سوء بیشتری در پی خواهد داشت. همان چیزی که متأسفانه امروزه به مدد ارتباطات دیجیتال، بسیار زیاد اتفاق می افتد و کوچکترین خطاهای فردی، دست به دست به اشتراک گذاشته می شود. این عمل، دیدگان جامعه را به مشاهده منکرات عادت داده و قبح آن را از بین می برد. این گونه است که هر روز شاهد منکر جدید و عادی شدن آن از نظر همه و افول جامعه خواهیم بود. راهکاری که شبستری در پیش پای ما قرار داده این است:

فسق گذشته را که بود بدگمانی و

مکن غیبت ریت

اگر او را به دل شده باشد از آنچه

پشیمانی میدانی

او بود تایب و حیب تو بداندیش فاسق و

الله گمراه

گر ندیدی به چشم ور بدیدی به چشم

باز مجوی باز مگوی

بنابراین بازگو نکردن و اشاعه ندادن منکرات میتواند از مصادیق نهی از منکر باشد.

4- آشکارسازی اعمال نیک: وقتی فرد به عیب خود پردازد، به عیوب دیگران توجهی نخواهد داشت. همان گونه که شبستری سروده است:

تو اگر گرد خود بر پی کار، خانه

براندازی پردازی

دیگر از دیگران جز به نیکی مکن که

نیاری یاد نیکت باد

¹ . <http://arabic.irib.ir/islamic/show/item/4766> ، مشاهده شده در فروردین 1402 ، شرح فقرة: "یا من أظهر الجمیل، یا من ستر القبیح".

آنگاه فرد تمام توجهش به سمت زیبایی‌ها سوق پیدا می‌کند و به دیدن خوبی‌های دیگران عادت پیدا می‌کند. کم‌کم این خوش‌نظری بر زبانش نیز جاری می‌گردد و به تعریف و تمجید و تقدیر از دیگران مبدل می‌شود. این آشکارسازی اعمال نیک، تأثیر شگرفی در صحنه اجتماعی دارد و باعث کسب تقدیر اجتماعی و ایجاد انگیزه مثبت در افراد می‌گردد. در این حالت چنانچه دایرة مصادیق معروف در جامعه اسلامی را تنگ نکیم و تنها به یک‌سری اعمال ظاهری دینی محدود نکنیم، شاید بتوان تشویق‌های گفتاری (مدح و ثنا) و ترغیب‌های رفتاری (نگاه تحسین‌برانگیز یا تأیید با سر) با پشتوانه صحیح که بین طبقات جامعه جاری است را جزو امر به معروف به‌شمار آورد؛ زیرا منجر به گسترش خوبی‌ها، توجه دادن به امر خیر و ایجاد انگیزه‌های مثبت در سطح وسیعی از اجتماع می‌شود، در این صورت دایرة آمران به معروف گسترده می‌گردد و طیف عظیمی از جامعه وارد در این حیطه خواهند شد. البته توجه به این نکته مهم است که ستایش مبالغه‌آمیز، بی‌اساس و دروغین، آثار منفی زیادی در پی دارد که مورد نکوهش است و چنین معنایی مدنظر نیست.

5- پرهیز از سوءظن: شبستری در این مرحله، یک نوع رابطه بین عیجویی و سوءظن را نیز مطرح می‌کند و آن اینکه جستجوی بدی، منجر به بدگمانی میشود و این سوءظن خود بنیاد و ریشه انواع بدی‌هاست. بدین ترتیب سالک در این راه، با دوری جستن از خرده‌گیری، به سوءظن نیز گرفتار نمیشود،

شیخ محمود شبستری اثرات دچار شدن به عیجویی را متذکر میشود و برخی از نتایج آن را بدین‌صورت بیان می‌نماید:

ای که از عیب دیگران	تو مگر از خدا نمیترسی
پرسی	
تا کنی زهد خویش را	که توئی فاسق و منم
مشهور	مستور
خود ندانی که فسق	غیر از آن هرچه هست
خودبینی است	مسکینی است
ختم ابلیس و حال آدم	زان دو یک بهر خویشان
بین	بگزین

وی عیجویی را مقدمه‌ای میداند برای بسیاری از امراض و فرومایگی‌های اخلاقی، مانند خودبینی و فسق که اعمال انسان را تباه میکند و از ابزارهای مهم شیطان برای گمراه ساختن انسانهاست و خاتمه آن، راه ابلیس است. از سوی دیگر، دوری از خرده‌گیری، سوءظن و سوءنیت و متخلق شدن به

حسنیت و حسنطن و پرداختن به عیوب خود، در نهایت انسان را به آدمیت می‌رساند، بنابراین هرکس باید یکی از این دو راه را برای خود برگزیند.

حدا سازی امور عوام از خواص

شبستری بر نیکخواهی بهمثابه عمل اختصاصی برای افراد جامعه تأکید مینماید. و در ادامه، حوزه و نحوه عملکرد حاکم در موضوع امر به معروف را از حوزه افراد متمایز میکند. در واقع با اظهار بیاطلاعی از وظایفی که حاکمان دارند، در مورد آنها نظری ارائه نمیدهد. حذر کردن او از داوری درباره امور حاکمان چنانکه از کلامش بر میآید ناشی از بیاطلاع اوست به همین دلیل نمیتواند در مورد آن به قضاوت بنشیند، زیرا سنجش صحت و سقم اعمال نیاز به دیدی جامع و فراگیر دارد. در مقابل خواص را نیز از امور عوام برحذر میدارد که خاص را چه کار به امر عام؟ بنابراین توصیه‌اش به خواص این است که امور عوام را به حال خودشان واگذارند. بنابراین اینگونه میسرآید:

امر معروف آنچه	نیک خواهی و ناصحی و
خاصه ماست	دعاست
باقی آن کس که حکم	حاکم است او چو کرد
میراند	او داند
باز پرسند از یکایک	من ندانم که او چه
مرد	خواهد کرد
جنس با جنس خویش	خاص را خود به امر عام
گردد یار	چه کار
بر من آن نیست من	کشتی را به خشک
چه میدانم	میرانم

جامعه به مثابه آینه در مقابل خود

دو بیت پایانی این مثنوی بهمنزله نتیجه عدم بهکارگیری راهکار او است. بدین معنا که اگر شخص امر نکوهیده در دیگری را ببیند، در حقیقت اینگونه دیدن تظاهری از درونیات خود اوست و سر منشاء آن عیب‌جویی و سوءظن است:

هر بدی کان ز دیگران	به حقیقت توئی اگر
دانی	دانی
تا تو بینی ز زید و عمر	همچو طفل سفیه
بدی	سایه زدی

به تعبیر دیگر شبستری در عرصه رفتار و روابط اجتماعی، افراد را آینه یکدیگر معرفی میکند که هر کس در آنها خود را میبیند. بنابراین اگر کسی خود را همواره میرا و منزه میبیند و اصرار دارد که دیگران، اعمال زشت و بد و ناهنجار انجام میدهند در واقع این بدی، در خود او مستقر است (حکمت، 1393، ص. 41). در این موقعیت نخست باید به خودسازی پردازد آنگاه جلوه زیبایی‌های خود را با توجه به اثرات مثبتی که در دیگران می‌گذارد در آینه وجود آنها به نظاره بنشیند.

این نحوه نگرش به رفتار ناپسند دیگران، از یکسو به آدمی سعه صدر و مسامحه و قدرت گذشت و چشمپوشی میدهد و از سوی دیگر بر این حقیقت اجتماعی صحه می‌گذارد که همه اعضای جامعه در پدیدآیی و پیدایی رفتارهای ناهنجار و نکوهیده سهیم‌اند (همان، ص. 41 و 42). پس همانگونه که پیامبر اسلام صلوات الله علیه میفرماید: «کلکم راع و کلکم مسؤول»، همه ما در برابر سلامت رفتاری و اخلاقی جامعه مسئولیم؛ به این صورت که نخست موظف به خودسازی و رشد فردی خود در زمینه‌های مختلف هستیم. بنابراین حفظ و پاسداری از سلامت روانی جامعه وظیفه همگانی می‌شود و هیچکس از آن بر کنار نیست.

نزدیکی رویکرد شبستری به فلسفه امر به معروف

شیوة پیشنهادی شبستری شیوهای عملی است که فرد با توجه به اعمال و افکار خود اخلاق اسلامی از تمام حرکات و سکناتش نمایان می‌شود و تقوا در او جلوه خواهد کرد. نقش دعوت عملی در سازندگی فرد و جامعه، بسیار مهم است. در این روش، وجود سالک بدون بیان چیزی، امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید و فرد و جامعه، عشق و علاقه به سعادت مردم و دلسوزی را از او احساس می‌کنند. همچنین امر و نهیاش را خودخواهی، ریاست‌طلبی، منفعت‌جویی و حبشهرت تلقی نمیکنند.

از نکات مهم در امر به معروف و نهی از منکر، مؤثر بودن آن است که با به کارگیری روش عملی تحقق میپذیرد و آفات ناشی از بیان تذکر مستقیم را ندارد، همان روشی که اهل بیت به آن توصیه کرده‌اند و خود نیز همواره در این زمینه پیشرو بوده‌اند. همانگونه که امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید: «کسی که خویشان را پیشوای مردم قرار داده لازم است نخست خود را تعلیم دهد قبل از آنکه به دیگران پردازد و باید وسیله تأدیش سیره و روش و رفتار و عمل او باشد پیش از آنکه با زبان چیزی بگوید و کسی که خویشان را تعلیم و

تأدیب نماید از کسی که مردم را تأدیب و تعلیم می‌نماید به اجلال و احترام سزاوارتر است¹». همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است که بارها به طلبه‌هایشان سفارش می‌کردند: مردم را با غیر زبانهایتان دعوت کنید و برای ما زینت باشید و مایه عیب و عار و ننگ ما نباشید².

با روش عملی اجرای این اصل الهی در درون تکتک افراد جامعه سرایت پیدا می‌کند. در این صورت هیچکس به بهانه اثر نداشتن امر و نهیش، خود را از انجام این فریضه برکنار نمیکند و بیتفاوت و بیمسئولیت نسبت به جامعه نخواهد بود، همچنین برای داشتن اجتماعی سالم همراه با امنیت بیشتر به خودسازی و بروز رفتار درست از خود برای الگو شدن اقدام مینماید. در اینجا این پرسش به ذهن می‌آید که آیا این روش ما را به فلسفه امر به معروف و نهی از منکر نزدیک میکند؟

همانطور که معروف است فلسفه امر به معروف گسترش خوبیهاست، و با نوع نگاهی که بیان شد (وسعت دادن دایره مصادیق و آمران به معروف)، شاید بتوان به فلسفه امر به معروف در گسترش خوبیها نزدیک شد، اما باید توجه داشت که از نظر شبستری تا وقتی شرط اول (سالک بودن) محقق نگردد وارد شدن به این دایره تحقق نمیپذیرد؛ بنابراین شاید نوع نگاه عرفانی نتواند جوابگوی مسائل ما در این زمینه باشد.

در پاسخ باید گفت چیزی که در اینجا لازم است توجه دادن افراد به سمت مقصد است، توجه به این امر یکی از راههای رسیدن به قرب الهی و کمال، عدم عیب‌جویی و دیدن زیبایی‌های مورد پسند خداوند متعال و ائمه اطهار و تشویق به کارهای مطلوب است که افراد جامعه اسلامی در سایه آن به عمل صالح واداشته و به راه صحیح هدایت می‌گردند، بدینترتیب خوبی‌ها در جامعه بیشتر میشود، پس عاملان به آن خود را از سالکان میدانند، بنابراین از آمران به معروف نیز هستند. در این صورت امر به معروف، اصل فراموش‌شده پنداشته نمی‌شود و حتی مادران، مربیان، استادان و معلمان و ... که جهت تربیت کودکان، نوجوانان و جامعه به ارزش‌گذاری و تشویق رفتارها و اعمال صحیح آنها می‌پردازند از آمران به معروف محسوب می‌شوند و کسانی که تا قبل از این توجه، خود را آمر به معروف نمی‌دانستند، حال با انگیزه بیشتر به این امر می‌پردازند.

¹. «من نصب نفسه للناس إماماً فعليه أن يبدء بتعليم نفسه قبل تعليم غيره وليكن تأديبه بسيرته قبل تأديبه بلسانه ونعلم نفسه ومؤدبها أحق بالاجلال من معلم الناس ومؤدبهم» (نهج البلاغه و وسائل الشيعة كتاب امر به معروف ونهي از منكر باب 10 روايت 6).

². «كونوا دعاة الى الله بغير السنتكم و كونوا لنا زينا ولا تكونوا علينا شينا» (الكافي، ج 2، ص 78).

در اینجا چنانچه به فلسفه امر به معروف و نهی از منکر توجه شود، میبینیم که این روش در اولین مرحله خود، میتواند ما را یک گام بلند به این فلسفه نزدیکتر کند؛ زیرا فلسفه امر به معروف در واقع، گسترش راستی، درستی و زیباییهاست و فلسفه نهی از منکر، محدود شدن امور نکوهیده و ناپسند و جلوگیری از اشاعه ناراستی و نادرستی است. عارف با نزدیک شدن به این فلسفه، طبق فرمایش پیامبر اکرم: «خداوند متعال زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ خویهای والا را دوست دارد و خصلتهای پست را ناخوش میدارد»³ جزو محبوبین الهی محسوب می‌گردد. خداوند به جهت اینکه کمال مطلق است، زیباست؛ یعنی هیچ نقص و کاستی در او راه ندارد، چنین موجودی، زیبایی محض است و هر موجودی که در طلب کمال از طریق کسب معنویات، به اندازه ظرفیت وجودیش، نقصها و زشتیهای اخلاقی خود را از بین ببرد و به فضایل معنوی (علم، قدرت، رأفت، سخاوت، صداقت، کرم و رحمت) و صفات مادی (سلامت، غنا و پاکیزگی) متصف گردد، به آن زیبایی مطلق نزدیکتر میگردد و محبوب او میشود. بنابراین یکی از راههای اتصاف به زیبایی، پرداختن به خود برای از بین بردن عیوب و دوری از زشتیهای درونی و نهایتاً خود را زیبا کردن است و در مقابل توجه به زیباییهای دیگران و ندیدن کاستیهای آنها.

ملاک ارزیابی یافته‌های عرفانی

حال که با روش پیشنهادی شیخ محمود شبستری آشنا شدیم شایسته است ملاکی را که عرفا برای ارزیابی یافته‌های عرفانی خود در نظر دارند بیان شود، آنگاه میزان صحت روش پیشنهادی وی ضمن بررسی دیدگاهش با ملاک ارائه‌شده سنجیده و ارزیابی گردد.

هر علمی برای شناخت حقایق خارجی از روش معرفتی خاصی سود می‌جوید. یکی از بحث‌های مهم در علوم، ملاک‌های لازم برای ارزیابی ادعاهای مطرح‌شده بر اساس آن روش، و میزان قابل اعتماد بودن آن در دستیابی به دانشی مطابق با واقع است. مسأله میزان و ملاک درباره روش کشف و شهود قلبی برای مواجهه با حقایق هستی در عرفان نظری، نیز به جد مطرح است. بر اساس بیان عارفان سه میزان برای علم عرفان می‌توان به دست آورد: 1- میزان عام یا شریعت؛ 2- میزان خاص مبتنی بر تجربه‌های استاد و

³. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَ يَكْرَهُ سَفْسَاقَهَا» (کنز العمال، 17168).

پیر سلوک؛ این دو میزان مورد اتفاق همه محققان عرفان است و 3- عقل که تنها در منابع متأخر عرفانی آمده است.

عارفان در طول تاریخ عرفان، همواره بر این مسئله تأکید داشته‌اند که مشاهده‌های عرفانی، برای هر کسی که رخ بدهد و در هر مرتبه‌ای که باشد، اگر مطابق با شریعت نباشد، کاذب است و قابل اعتماد نمی‌باشد. بنابراین شهودهای عرفانی همواره باید از ناسازگاری با حقایق دینی به دور باشند تا بتوان به عنوان حقایق بر آنها تکیه کرد. از این رو نباید هیچ‌گونه تعارضی میان معارف شریعت و حقایق مشهود عارف وجود داشته باشد. شریعت را نیز بدان سبب میزان «عام» نامیده‌اند که برای همه اشخاص و در تمام حالت‌ها و شرایط معیار تلقی می‌شود.

محک عرفا برای میزان عام قرار دادن شریعت این قاعده کلی است که همواره باید کشف‌هایی را که در مراتب و مراحل سلوکی نازل‌تر رخ می‌دهند، با محک تجربه‌های عرفانی عالی‌تر سنجید. از نظر عارفان بالاترین مقام‌های کشفی، به رسول خاتم اختصاص دارد؛ زیرا هرچه جان انسان پاک‌تر و دورتر از کدورت‌های دنیوی و ظلمانی باشد، کشف او منزّه‌تر از انحراف‌ها خواهد بود؛ به تعبیر دیگر میان مراتب «طهارت» و مراتب و درجات «کشف» پیوند وثیقی وجود دارد. از این رو، «کشف تام محمدی» که مجموعه حقایق ابلاغشده در قالب دین مبین اسلام از سوی حضرت محمد است، معیاری برای سنجش تمام مکاشفه‌های عرفانی قرار می‌گیرد. البته طرح چنین میزانی برای عرفان، آن را به یک علم نقلی تبدیل نمی‌کند، بلکه بر عکس، عارفان با تکیه بر روش شهودی به عنوان روش مستقل عرفان، به حقایق دست می‌یابند و سپس برای اطمینان، این معارف را با معیارهای دینی محک می‌زنند. آنها با تکیه بر روش خود، اسرار و رموز شریعت را می‌گشایند و آنها را در اختیار دیگران قرار می‌دهند (یزدان‌پناه، 1388، ص. 78-82).

در همین راستا می‌توان به آیات خود شبستری در بیان سبب نظم سعادتنامه استناد کرد که هم از عقل و هم از نقل مدد جسته است و سروده است:

چنگ در عقل و نقل	راه خواهی به صحن و
محکم دار	صفه بار
این ضعیف اصل آن به	ور ندانی بدین همه ره
نظم آورد	برد
	همچنین در ادامه می‌گوید :
راست بر سنت کلام	مدح و ذم اندر او همه بر

تطبیق دیدگاه شبستری با شریعت

در این جا به بررسی روش پیشنهادی شبستری می‌پردازیم تا بدانیم آیا رویکرد عرفانی او به دو اصل مذکور، مستند به آیات و روایات است یا روشی خاص صوفیه و صرفاً براساس تجربه شهودی است؟ همانطور که بیان شد اگر دیدگاه وی سازگار و مطابق با حقایق دینی و شریعت باشد، صادق و قابل اعتماد است و می‌توان به مثابه حقیقت بر آن تکیه کرد. بنابراین شرایط، ضوابط و نکات برداشت‌شده براساس سروده شبستری درباره امر به معروف در مثنوی سعادت‌نامه را برای دریافت میزان تطابق آنها با آیات و روایات بررسی می‌کنم.

- 1- یکی از نکات اقتباس شده از لیبیات شبستری، تقدم و ارجحیت امر به معروف بر نهی از منکر بود که با توجه به آیات مربوط به این فریضه می‌توان آن را از کلام الهی برداشت کرد؛ زیرا در این آیات همواره امر به معروف مقدم بر نهی از منکر شده است. آیاتی همچون:
 - وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران: 104)
 - كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران: 110)
 - وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (توبه: 71)
 - يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ (لقمان: 17)

2- همانطور که در آیات مذکور بالا ملاحظه می‌گردد، برای ولزلهای معروف و منکر تخصیصی زده نشده است؛ بنابراین مفهومی عام از آن دو برداشت می‌گردد که علاوه بر اعمال ظاهری، اقوال و عقاید را نیز دربرمیگیرد؛ چنانکه از منظر عرفانی شبستری نیز امر معروف بهمثابه خصلتی درنظر گرفته میشود که نمود آن هم در اعمال ظاهری و هم در اعمال باطنی میتولند مشهود باشد.

3- از نظر شبستری لازمه امر به معروف بودن و شرط نخست آن در طریق سلوک بودن به معنای توجه ویژه به مقصد (وصول به کمال نفسانی و سعادت اخروی و تقرب به خداوند) است. همانطور که

ملاحظه شد خود شبستری شاهد بر این امر را با اشاره به بخشی از آیه 159 سوره العمران «فیما رحمة من الله» در ابیاتش بیان کرد. چنان که گفته شد مقدمه رسیدن به ویژگی دلسوزی و نرمخویی توجه به صفای روحی و باطنی خود است به این معنا که فرد ابتدا سعی کند خود خوب باشد آنگاه برای مردم به خیرخواهی پردازد، پس عیبجویی، عیببلی، خردهگیری و تجسس در احوال مردم نمیکند.

شاهد برلین مضمون روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که با بیلنهایی نزدیک بهم برلین نکته تأکید کردهاند:

- «مَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ النَّاسِ فَلَنَكَّرَهَا ثُمَّ رَضِيَهَا لِنَفْسِهِ ، فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ بِعَيْنِهِ»؛
- «كَفَى بِالْمَرْءِ عِبَاوَةً أَنْ يَنْظُرَ مِنْ عُيُوبِ النَّاسِ إِلَى مَا خَفِيَ عَلَيْهِ مِنْ عُيُوبِهِ»؛
- «كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ يُنْكِرَ عَلَى النَّاسِ مَا يَأْتِي مِثْلَهُ»؛
- «كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ يَجْهَلَ عُيُوبَ نَفْسِهِ ، وَ يَطْعَنَ عَلَى النَّاسِ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ لِلنَّحْوْلِ عَنْهُ»؛
- «تَأْمَلُ الْعَيْبَ عَيْبٌ».

همچنین احادیثی از امام علی علیه السلام موجود است که محتوای آنها همان مضمون را به صورت عکس نقیض متبادر میکند و میتوان به آنها نیز استناد نمود:

- «لَاعْقَلُ لِلنَّاسِ مَنْ كَانَ بِعَيْنِهِ بَصِيرًا ، وَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ صَرِيرًا»
- «كَفَى بِالْمَرْءِ كَيْسًا أَنْ يَعْرِفَ مَعَايِبَهُ ، كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ يَجْهَلَ عَيْبَهُ».

4- یکی دیگر از مصادیق کمال نفسانی مذکور در ابیات شبستری بازگو نکردن و اشاعه ندادن منکرات است، وقتی فرد به عیب خود پردازد، به عیوب دیگران توجهی نخواهد داشت. این نکته به وفور در کلام ائمه اطهار یافت می شود. چند نمونه از کلام امام علی علیه السلام در اینجا ذکر می گردد:

- «مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ شُغِلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ»؛
- «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ»؛
- «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ شَغَلَتْهُ مَعَايِبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ»؛
- «لِيَتَّهَكَ عَنْ ذِكْرِ مَعَايِبِ النَّاسِ مَا يَعْرفُ مِنْ مَعَايِبِكَ»؛
- «مَنْ بَحَثَ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ قَلْبِيْدًا يَنْفُسِهِ»؛

- «مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ تَفْسِيهِ شُغِلَ عَنِ عَيْبِ غَيْرِهِ»؛
- «مَنْ أَبْصَرَ زَلَّتُهُ صَغُرَتْ عِنْدَهُ زَلَّتُهُ غَيْرِهِ»؛
- «لَا تَتَّبِعَنَّ عُيُوبَ النَّاسِ ، فَإِنَّ لَكَ مِنْ عُيُوبِكَ - إِنْ عَقَلْتَ - مَا يَشْغَلُكَ أَنْ تَعِيبَ أَحَدًا»؛
- «مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ تَفْسِيهِ لَمْ يَعِيبْ أَحَدًا»¹.

5- پرهیز از سوءظن: این محتوا نیز در کلام ائمه بسیار یافت میشود.

در اینجا چند روایت از حضرت علی علیه السلام نقل میگردد:

- «مَنْ سَاءَ ظَنُّهُ سَاءَتْ طَوْبَتُهُ»؛
- «آفَةُ الدِّينِ سُوءُ الظَّنِّ»؛
- «لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ الظَّنِّ»؛
- «الْمُرِيبُ أَبَدًا عَلِيلٌ»؛
- «سُوءُ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْأُمُورَ وَيَبْعَثُ عَلَى الشُّرُورِ»².

¹ عیب جویی از نظر احادیث. ahlolbait.com تاریخ مراجعه 20 فروردین 1402.

² چهل حدیث درباره حُسن ظن و خوش بینی، <http://hedayatgar.ir/fa/news/34> مراجعه در تاریخ 20 فروردین 1402.

نتیجه‌گیری:

تحلیل دیدگاه عارفانه شیخ محمود شبستری در باب امر به معروف و نهی از منکر چندین نکته را بر ما آشکار می‌کند:

امر به معروف خوی و خصلتی مخصوص به سالک است؛ سالکی که مقصدش کمال نفسانی و سعادت اخروی برای قرب الهی است، بنابراین تمام رهنمودهایش به سوی امور شایسته و نیکو در مسیر کمال خودش سپس جامع‌هاش می‌باشد.

امر به معروف اگرچه همیشه با نهی از منکر همراه است، اما همواره بر آن تقدم دارد، یعنی گام اول برای رسیدن به نتیجه مطلوب (سلامت روانی در جامعه) اصل قرار دادن امر به معروف است و نهی از منکر در مقام دوم از اجرا قرار دارد. شبستری نیز عنوان سروده‌هایش را امر معروف گذاشته است و همانگونه که از محتوای آن مشخص شد، تأکید وی بیشتر بر امر به معروف است. این توجه و تأکید دلیل بر بیتوجهی به اصل دیگر یعنی نهی از منکر نیست بلکه به این منظور است که در صورت اجرای اصل اول بر اساس شیوه او، جامعه اسلامی جامع‌های متشکل از افراد خودساخته می‌شود. در چنین جامع‌های ناشایست بهندرت مشاهده می‌گردد و نیاز به نهی از منکر کمتر احساس می‌شود.

روش پیشنهادی شبستری برای اجرای امر به معروف، مبتنی بر شیوه عملی از نوع خودسازی است. در این روش، وجود سالک بدون بیان چیزی، امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید، زیرا اخلاق اسلامی و تقوا از تمام اعمالش نمایان است. اولین شرط در این طریق، توجه به عیوب خود به جای عیوب دیگران است که عدم گرفتاری به سوءظن را نیز در پی دارد و این خود مقدمه برای در امان ماندن از بسیاری از بدیهاست.

این روش عملی، اجرای امر به معروف را در درون تکتک افراد جامعه سرایت می‌دهد. فراگیری امر به معروف در بین همه، بیتفاوت و بیمسئولیت نسبت به دیگران را نیز در پی نخواهد داشت.

رویکرد عرفانی شبستری به امر به معروف و نهی از منکر با یکی از ملاکهای ارزیابی یافته‌های عرفانی یعنی میزان عام یا شریعت بررسی شد و بر اساس شواهد یافت‌شده از آیات الهی و روایات ائمه صحت دیدگاه او تأیید شد.

منابع:

ابن‌سینا. (1375). *الاشارات والتنبيهات*. قم: نشر البلاغه.

اسلامی، عباسعلی. (1354). *دو از یاد رفته*. تهران: مرکز نشر فدک.

امینی، ابراهیم. (1394). *مهمترین واجب فراموش شده امر به معروف و نهی از منکر*. قم: بوستان کتاب.

حسینی نقوی، اکرم‌السادات. (1379). *دو از یاد رفته (امر به معروف و نهی از منکر)*. پایان‌نامه کارشناسی. تربیت معلم حکیم ابوالقاسم فردوسی کرج.

حکمت، نصرالله. (1393). *مفتاح فتوحات (گلشن راز شبستری)*. تهران: نشر علم.

_____. (1389). *متافیزیک ابن‌سینا*. تهران: الهام.

دفتر جامعه اسلامی ناصحین قم. (1373). *نصیحت و ناصحین: زمینه ساز احیاء دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر*. ناشر: اهل بیت.

عطائی، محمدرضا. *دو فریضه فراموش شده امر به معروف و نهی از منکر: آیاتی از قرآن و چهل حدیث*.

غدیری، جهانبخش. (1390). *اصل فراموش شده (مجموعه مقالات علمی - پژوهشی و فرهنگی امر به معروف و نهی از منکر)*. تهران: شاپورخواست.

فاطمی، ولی. (). *امر به معروف و نهی از منکر را باید زنده کرد*.

کلینی، محمدبن یعقوب. (1407). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محرابی، عبد‌الکریم. (1370). *چهل حدیث «امر به معروف و نهی از منکر را باید زنده کرد»*.

موسوی، سیدیحیی. (1390). *امر به معروف و نهی از منکر و رویکرد صوفیه نسبت به آن*. دانشکده الهیات، تهران: دانشگاه تهران.

نهج البلاغه

ورعی، سیدجواد. (1392). *امام خمینی و احیاء تفکر اسلامی*. تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.

وسایل الشیعه کتاب امر به معروف و نهی از منکر

یزدان‌پناه، سیدیدالله. (1388). *مبانی و اصول عرفان نظری*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

منابع الکترونیک:

شرح فقرة: "یا من أظهر الجمیل، یا من ستر القبیح".
<http://arabic.irib.ir/islamic/show/item/4766>، تاریخ مراجعه: فروردین 1402.

چهل حدیث درباره حسن ظن و خوش‌بینی. <http://hedayatgar.ir/fa/news/34>، تاریخ مراجعه: فروردین 1402.

عیب جویی از نظر احادیث. <http://ahlolbait.com/article/5304>، تاریخ مراجعه: فروردین 1402.